

تعیین‌کننده‌های مشارکت اجتماعی زنان روستایی:

مورد مطالعه شهرستان بویراحمد

مصطفی احمدوند*

استادیار دانشکده کشاورزی، دانشگاه یاسوج

مریم شریفزاده

استادیار دانشکده کشاورزی، دانشگاه یاسوج

چکیده

پژوهش پیمایشی حاضر بر آن بود تا تعیین‌کننده‌های مؤثر بر مشارکت اجتماعی زنان روستایی را به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه روستایی، شناسایی کند. جامعه آماری پژوهش را زنان روستایی ۱۶ ساله و بالاتر شهرستان بویراحمد تشکیل داده بودند که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۲۵۰ نفر انتخاب و مطالعه شدند. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه‌ای حاوی پرسش‌های باز و بسته بود که روایی صوری آن را متخصصان بازنگاری و تأیید کردند و برای سنجش پایایی آن نیز مطالعه پیش‌آهنگ انجام و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۵۳ الی ۰/۷۴ برای تعیین‌کننده‌های گوناگون محاسبه شد. یافته‌ها نشان داد مشارکت اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه در حد متوسطی است. همچنین نتایج حکایت از رابطه معنادار متغیرهای سن، سرمایه اجتماعی، نگرش به مشارکت، سطح تحصیلات، تماس با منابع اطلاعاتی، سطح اطلاعات و آگاهی و اشتغال در خارج از منزل با مشارکت اجتماعی زنان روستایی داشت. یافته‌های حاصل از رگرسیون سلسله مراتبی نیز نشان داد الگوی نظری پژوهش توانایی پیش‌بینی بیش از ۳۷ درصد از تغییرات در مشارکت اجتماعی را داشته و متغیرهای سن، بُعد خانوار، سرمایه اجتماعی، سطح تحصیلات، سطح آگاهی و اطلاعات، و اشتغال در خارج از منزل از مهمترین تعیین‌کننده‌های مشارکت اجتماعی زنان روستایی بودند.

واژگان کلیدی

مشارکت اجتماعی، زنان روستایی، توسعه اجتماعی، سرمایه اجتماعی

مقدمه

مشارکت اجتماعی^۱ را نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین شده تعریف کرده‌اند (غفاری، ۱۳۸۰). فرایندی که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص، که به سهم‌شدن آن‌ها در منابع اجتماعی منجر می‌شود، در آن شرکت می‌کنند. به عبارت دیگر، پدیده مشارکت اجتماعی از مهمترین ابعاد توسعه اجتماعی^۲ در هر جامعه‌ای به ویژه جامعه روستایی ایران است. از سوی دیگر، لازمه توسعه پایدار روستایی، مشارکت همه اقشار و گروه‌ها در فرایند اجتماعی و اقتصادی روستا است (یزدان‌پناه و صمدیان، ۱۳۸۷). تردیدی نیست که زنان به عنوان نیمی از پیکره جامعه روستایی نقشی بسیار ژرف و سترگ در توسعه آن دارند. این در حالی است که، اگر چه مشارکت اجتماعی زنان روستایی به عنوان فرایند فعال در مسیر توسعه پایدار روستایی از اهمیتی جالب توجه برخوردار است شواهد حاکی از آن است که میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی در فرآیندهای مختلف اجتماع ناچیز بوده و به مراتب از مردان کمتر است (وینر و هانتینگتون، ۱۳۷۹).

بنابراین، شناسایی و واکاوی سازه‌های مؤثر بر مشارکت اجتماعی زنان روستایی به عنوان مسأله‌ای مهم مطرح می‌شود، که می‌توان با شناسایی این سازه‌ها، شناخت موانع مشارکت، و رفع آن‌ها، بسترها و زمینه‌های لازم برای این امر را پدید آورد. این مقاله بر آن است تا به شناسایی تعیین‌کننده‌های مشارکت اجتماعی زنان روستایی در شهرستان بویراحمد اقدام کند و ضمن سنجش مشارکت اجتماعی آن‌ها، سازه‌های مؤثر بر مشارکت اجتماعی را تبیین کند.

پیشینه تجربی پژوهش

سابقه پژوهش‌های کاربردی در حیطه مشارکت اجتماعی زنان از قدمت چندانی برخوردار نیست، لیکن پژوهش‌های تجربی محدودی در داخل و خارج از کشور به مسأله مشارکت اجتماعی زنان روستایی توجه کرده‌اند که حکایت از تأثیر سازه‌های متعدد بر مشارکت اجتماعی آن‌ها دارد.

1. Social participation

2. Social development



شادی‌طلب (۱۳۸۲) مشارکت اجتماعی زنان را تحت تأثیر مجموعه‌ای از متغیرهای فرهنگی - ارزشی (نظم‌گرایی، جمع‌گرایی و میل به کار گروهی، نوظیری، تقدیرگرایی و عدالت‌جویی)، خانوادگی (پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده، میزان پابندی خانواده به سنت‌ها، نقش زن در تصمیم‌گیری‌ها، بُعد خانواده و میزان انسجام خانوادگی)، جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی (سن، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، وضعیت تأهل، مدت اقامت در شهر، سابقه مشارکت و میزان استفاده زن از رسانه‌ها)، متغیرهای انگیزشی (رقابت‌جویی، از خود بیگانگی، خوداثربخشی، و نیاز به پیشرفت)، و تمایل فرد به مشارکت اجتماعی تقسیم‌بندی کرده است. در همین راستا فخرایی (۱۳۷۶) به بررسی تأثیر ارزش‌های فرهنگی جامعه ایران، به عنوان مانعی برای بهبود مشارکت اجتماعی زنان اقدام کرده است. او بر این عقیده است که عوامل فرهنگی، به علت گستردگی، می‌توانند به اشکال مختلف در آداب و رسوم، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، و مذهب و بیش افراد رسوخ کرده و مانعی بر مشارکت توده زنان در صحنه‌های مختلف جامعه محسوب شود. افزون بر آن، سطح تحصیلات نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگی تأثیر به‌سزایی در مشارکت اجتماعی زنان روستایی دارد. سبکتکین‌ریزی (۱۳۷۳) در تبیین رابطه میزان تحصیلات زنان روستایی با میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها به این نتیجه رسیده است که بین سطح سواد زنان و میزان مشارکت آن‌ها در عرصه‌های گوناگون جامعه رابطه وجود دارد و هر چه سطوح سواد زنان بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی هم بیش‌تر است.

ویچه‌کا^۱ (۲۰۰۵) نیز در خصوص عوامل فرهنگی مؤثر بر مشارکت، مطالعه‌ای در کامبوج انجام داده‌است. یافته‌های او حکایت از آن دارد که زنان با ویژگی‌هایی چون نجابت، وظیفه‌شناسی، مقیدبودن و حق‌شناسی نسبت به والدین در نظر گرفته می‌شوند و زنان کامبوج به دلیل این فشار فرهنگی، بدون هیچ شناختی از ارزش‌های آن پیروی می‌کنند. مؤلفه‌های اجتماعی دسته دیگری از سازه‌ها هستند که بر تأثیر آن‌ها در مشارکت اجتماعی زنان روستایی تأکید شده است. عفتی‌پور و کپوریان (۱۳۷۶) در مطالعه‌ای میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی روستاهای مازندران بررسی کرده‌اند. یافته‌های آن‌ها حاکی از میزان مشارکت اجتماعی متوسط (حدود ۵۰/۶ درصد) زنان روستایی بود. در این پژوهش،

بین پایگاه اجتماعی و نیز میزان وابستگی به شوهر و شیوه تلقی شوهر از مسائل مذهبی و مشارکت اجتماعی آن‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

برتون^۱ (۱۹۹۷) بر این باور است که در میان عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی، دو عامل به طور خاص ارزشمند است؛ ویژگی‌های شخصیتی و فرصت‌های ساختاری. مقداری از مشارکت به وسیله عواملی چون طبقه اجتماعی فرد، علائق مذهبی، و انگیزه‌های شخصی تبیین می‌شود و فرصت مشارکت نیز، به دلیل آن که برای افراد متعلق به گروه‌های مختلف متفاوت است، میزان مشارکت را تعیین می‌کند (برتون، ۱۹۹۷). اعتماد اجتماعی نیز به عنوان یکی دیگر از عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت محسوب می‌شود (مقدس جعفری و باقرزاده، ۱۳۸۱؛ غفاری، ۱۳۸۰). سفیری و صادقی (۱۳۸۸) در پژوهشی که بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن اختصاص داشت، دریافتند که رابطه سه متغیر سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی)، احساس بی‌قدرتی و خودپنداره با مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر معنادار بوده است. موحد و همکاران (۱۳۸۷) رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت زنان را بررسی کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داد همبستگی معناداری میان سرمایه اجتماعی و مشارکت پاسخ‌گویان وجود دارد.

یزدان‌پناه و صمدیان (۱۳۸۷) نیز در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر مشارکت اجتماعی زنان کرمان پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان داد میزان مشارکت اجتماعی زنان در بُعد غیر رسمی، بیش‌تر از مشارکت آن‌ها در بُعد رسمی است؛ همچنین ویژگی‌های اجتماعی نظیر عام‌گرایی، فعال‌گرایی، خردگرایی، ارزیابی فایده مشارکت و مشارکت اعضای خانواده رابطه‌ای مستقیم و معنادار با میزان مشارکت اجتماعی زنان دارد. لهسایی‌زاده و همکاران (۱۳۸۴) در مطالعه‌ای مشارکت زنان روستایی در استان فارس را بررسی کرده‌اند. در این مطالعه شغل، میزان تحصیلات، تقسیم کار در خانه، آگاهی نسبت به توانمندی‌های زنان، اعتماد به دیگران، بُعد خانوار، سن، وضعیت تأهل و فضای حیاتی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داده است، بین متغیرهای اعتماد به نفس، تصمیم‌گیری، آگاهی نسبت به توانمندی‌های زنان، با مشارکت آن‌ها رابطه معناداری وجود ندارد (لهسایی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴). ساروخانی و امیرپناهی

1. Breton



(۱۳۸۵) با پژوهش دربارهٔ رابطهٔ ساختار قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی نشان داده‌اند که خانواده در ایجاد روحیهٔ مشارکت‌جویی در افراد نقشی مهم دارد.

عوامل فردی (شخصی) نیز در مشارکت اجتماعی زنان روستایی تأثیر به‌سزایی دارند. راجع به این دسته عوامل نیز پژوهش‌هایی انجام شده است. علوی‌تبار (۱۳۷۹) تأثیر متغیرهای آگاهی اجتماعی، دسترسی به اطلاعات و عضویت در تشکل‌ها بر مشارکت اجتماعی را بررسی کرده است. یافته‌های او نشان داد دو متغیر آگاهی اجتماعی و دسترسی به اطلاعات با مشارکت اجتماعی رابطهٔ معناداری داشته است.

رضادوست و همکاران (۱۳۸۸) در بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی شهروندان ایلامی دریافته‌اند که وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل، و عضویت در تشکل‌های اجتماعی رابطهٔ معناداری با مشارکت اجتماعی دارند. وثوقی و یوسفی‌آقابین (۱۳۸۴) در پژوهشی جامعه‌شناختی در زمینهٔ مشارکت اجتماعی زنان روستایی در روستای آغکند شهرستان میانه نشان داده‌اند که میانگین مشارکت اجتماعی زنان روستایی در این پژوهش در سطح پایینی بوده است. بر اساس تحلیل‌های آماری انجام شده، وجود رابطهٔ بین مشارکت اجتماعی زنان روستایی با متغیر نگرش زنان نسبت به خود (عوامل درونی)، سن، تحصیلات (عوامل زمینه‌ای)، میزان دسترسی آن‌ها به مراکز شهری و همچنین وسایل ارتباط جمعی (عوامل ساختاری) تأیید شده است. نوروزی و بختیاری (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود دربارهٔ مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان خدابنده دریافتند که سن، جنسیت، طبقهٔ اجتماعی، محل سکونت، عام‌گرایی، آینده‌نگری، اعتماد، ساختار خانواده، تعلیم و تربیت، رسانه‌های گروهی و تقدیرگرایی با مشارکت اجتماعی - سیاسی همبستگی معنادار در سطح ۹۹ درصد دارد.

عوامل اقتصادی نیز در مشارکت اجتماعی زنان روستایی مؤثر هستند. مطالعات پیشین حاکی از آن است که بین سطح درآمد خانوار، میزان سهم زن در تولید محصولات کشاورزی، دامداری، صنایع دستی و میزان مشارکت آن‌ها همبستگی و رابطهٔ معناداری وجود دارد (عفتی و کپوریان، ۱۳۷۶؛ خانی و احمدی، ۱۳۸۸).

مبانی نظری پژوهش

در این پژوهش مشارکت اجتماعی زنان روستایی با عوامل اجتماعی چون سرمایه اجتماعی، عوامل فرهنگی و عوامل اقتصادی در سطح خرد بررسی شده است. بنابراین، با توجه به پیچیدگی و گستردگی موضوع پژوهش حاضر، از نظریه‌های مشارکت اجتماعی هابرماس^۱، کنش اجتماعی پارسونز^۲ (روشه^۳، ۱۳۷۷)، کنش منطقی فیشباین و آیزن^۴ و سرمایه اجتماعی پاتنام^۵ برای تبیین دقیق مسأله پژوهش استفاده شده است.

متغیر وابسته مشارکت اجتماعی در این پژوهش، مفهومی محوری در بررسی نظری دارد. گستردگی مفهوم مشارکت و تفسیرهای متعدد در خصوص این مفهوم، بر شکل‌گیری نظریه‌های مختلفی که زیربنای اندیشه مشارکت اجتماعی بوده‌اند، تأثیر به‌سزایی داشته است. در این پژوهش از نظریه مشارکت اجتماعی یورگن هابرماس استفاده شده است. هابرماس مشارکت را نوعی کنش می‌داند که در اشکال و انواع مختلف می‌تواند بروز و ظهور کند. از نظر هابرماس سه نوع کنش تفکیک‌پذیر است که عبارتند از: کنش ابزاری، کنش راهبردی، و کنش ارتباطی (کرایب، ۱۳۸۰؛ سفیری و صادقی، ۱۳۸۸: ۶). کنش ابزاری دارای موقعیت غیراجتماعی با هدف جستجوی سود و منافع شخصی، کنش راهبردی دارای موقعیت اجتماعی با هدف تعقیب هدف مشترک درون سازمانی و کنش ارتباطی دارای موقعیت اجتماعی برای خلق و ایجاد فضای اجتماعی برای مبادله معانی بین افراد و گروه‌ها است. هابرماس کنش ارتباطی را در شکل‌گیری جهان اجتماعی عنصری محوری دانسته که این کنش به تعامل دست کم دو عامل سخن گفتن و روابط شخصی برای دستیابی به وفاق اشاره دارد. به اعتقاد او کنش ارتباطی در پی آن است که اهداف و آرمان‌های مشخص فردی را با فهمی مشترک از اهداف و اعتقادات جمعی هماهنگ کند (براتعلی‌پور، ۱۳۸۱).

پس از بررسی نظریه مشارکت اجتماعی، نظریه کنش اجتماعی پارسونز بررسی شده است تا فضای مفهومی مشارکت و عوامل مؤثر بر آن روشن‌تر شود. نظریه پارسونز درباره کنش

1. Habermas
2. Parsons
3. Rocher
4. Fishbein & Ajzen
5. Putnam



اجتماعی به دلیل جامعیت و توانایی بالایی که برای تبیین مشارکت اجتماعی دارد، به عنوان پایه نظری اصلی این پژوهش انتخاب شد. پارسونز با مطالعه و ترکیب افکار و آرای صاحب‌نظران قبل از خود سعی در ارائه مدلی عام کرده که بتواند در قالب آن، کنش اجتماعی را در رابطه با تمام عوامل ممکن، از جمله محیط طبیعی، نظام اورگانستی، نظام شخصیتی، نظام اجتماعی، ارزش‌های جامعه، ساختارهای اقتصادی و نهادهای فرهنگی در سطح خرد تحلیل و تبیین کند. در تحلیل مشارکت اجتماعی به عنوان کنشی در سطح خرد، پارسونز معتقد است که هر کنش انسانی مشتمل بر سه خصصت اورگانستی (در جهت پاسخ به نیازی زیستی)، شخصیتی (تحت تأثیر شخصیت - نگرش، آگاهی، وضعیت زندگی - فرد) و فرهنگی (دارای صبغه فرهنگی و تحت تأثیر فرهنگ جامعه) است (روشه، ۱۳۷۷). پارسونز نخستین منشأ کنش را اورگانسیسم رفتاری و دارای سه گرایش هنجاری، ارزیابی و ادراکی یا شناختی می‌داند (پارسونز، ۱۹۶۶). پارسونز، دو عنصر محیط فیزیکی و ارزش‌ها را نیز بر کنش (مشارکت اجتماعی) مؤثر می‌داند. از نظر پارسونز، کنش‌گر تحت شرایط ساختاری در جامعه عمل می‌کند. به عبارت دیگر، کنش انسان مقید به شرایط اقتصادی (درآمد و اشتغال)، اجتماعی (سن، وضعیت خانوادگی، و سرمایه اجتماعی)، و فرهنگی (نگرش‌ها، هنجارها، اطلاعات) است. پارسونز منشأ هر رفتار را تمایلات نیازی می‌داند که طی فرآیند اجتماعی شدن شکل می‌گیرد و انگیزه‌های بروز کنش را می‌سازند (روشه، ۱۳۷۷: ۱۶۹-۱۷۰). تمایل به کسب پاداش‌های مادی و معنوی، رعایت ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در زمره زیربناهای انگیزشی و منشأ کنش (مشارکت اجتماعی) به‌شمار می‌روند.

پارسونز ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی (متغیرهای الگویی) را که به وسیله کنش‌گر در زمان اجتماعی شدن به دست می‌آید، تا اندازه زیادی نتیجه کارکرد ساختاری بنیادین جامعه و ارزش‌های مسلط نظام اجتماعی می‌داند. لذا، از نظر او هر یک از عوامل ساختاری مانند اقتصاد، اجتماع، فرهنگ و سطح توسعه، بر ترکیب متغیرهای الگویی تأثیر گذار بوده و مشروط‌کننده کنش هستند (ریترز، ۱۳۷۷: ۶۲). براساس نظریه پارسونز، افراد مشارکت‌جو دارای ویژگی‌های عام‌گرایی، فعال‌گرایی، خردگرایی، و امیدوار به آینده هستند و از آن‌جا که او زنان را دارای نقشی مادرانه، عاطفی، خاص‌گرا و انفعالی می‌داند، می‌توان گفت نوع جهت‌گیری ارزشی در میان زنان، از عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی آن‌ها است و خانواده، الگوی موجود

در محیط خانواده (مثل مشارکت اعضای آن به ویژه پدر به عنوان گروه مرجع)، و آگاهی از امکانات موجود در محیط زندگی و مزایایی که برای فرد در پی خواهد داشت (آشنایی و شرکت در تشکله‌ها و سازمان‌های غیر دولتی محل زندگی) از متغیرهای مهم تأثیر گذار بر مشارکت فرد است (یزدان‌پناه و صمدیان، ۱۳۸۷: ۱۲۷-۱۴۹).

نگرش‌های فردی و انگیزه‌های درونی (شخصیتی افراد) نیز در شکل‌گیری رفتار مؤثر است. به این خاطر در ادامه نظریه کنش منطقی فیشباین و آیزن^۱ بررسی شده است. اقدام به یک کنش با توجه به نظریه فیشباین و آیزن تابعی از قصد و نیت رفتاری بوده که این امر وابسته به دو مقوله است: نگرش ابزاری و احساسی نسبت به آن موضوع و همچنین هنجارهای ذهنی. نخستین جزء تعیین‌کننده نیت رفتاری، نگرش نسبت به رفتار است که خود ناشی از کارکرد دو نوع باور: درک از فایده‌مندی رفتار (نگرش ابزاری) و درک از سهولت بروز آن (نگرش احساسی) است (آیزن، ۲۰۰۵). دومین تعیین‌کننده نیت در نظریه کنش منطقی، که خود تابعی از باورها است، هنجارهای ذهنی بوده که به باور فرد درباره تصدیق یا عدم تصویب اجرای رفتار توسط افراد/ گروه‌های خاص (گروه‌های مرجع) اشاره دارد. این افراد/ گروه‌ها نقش مرجع را ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر می‌توان گفت میزان و نوع مشارکت اجتماعی افراد تحت تأثیر نگرش آن‌ها به موضوع مشارکت است که آن نیز با هنجارهای اجتماعی مرتبط است (فیشباین و آیزن، ۱۹۷۵). بنابراین، گروه‌های مرجع فرد در فرآیند جامعه‌پذیری او نقش اساسی داشته و هنجارهای ذهنی او را شکل می‌دهند (همیلتون و وایت^۲، ۲۰۰۸). قصد انجام‌دادن کار نیز رابطه مستقیمی با نگرش فرد به موضوع دارد. قصد یا نیت رفتاری، نشانه آمادگی فرد در اجرای رفتار مشارکت است و به عنوان مقدمه‌ای برای ظهور رفتار به‌شمار می‌رود. نیت تابعی از نگرش نسبت به رفتار و هنجارهای ذهنی در قبال مشارکت اجتماعی زنان است. یعنی هر اندازه نگرش به مشارکت اجتماعی در زنان روستایی مساعدتر باشد، و هنجارهای موجود نیز بر مشارکت اجتماعی زنان بیش‌تر صحنه گذارد، رفتار مشارکت اجتماعی آن‌ها نیز بیش‌تر خواهد شد.

-
1. Fishbein & Ajzen
 2. Hamilton & White



یکی دیگر از تئوری‌های مورد استفاده در این پژوهش، نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام^۱ است. به اعتقاد پاتنام، سرمایه اجتماعی نقش به‌سزایی در بروز رفتار مشارکت‌جویانه دارد. از نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی که اعتماد اجتماعی یکی از وجوه بارز آن است، با تسهیل اقدامات، کارایی جامعه را بهبود می‌بخشد و هزینه مبادلات و همکاری‌های محلی را کاهش می‌دهد. همکاری ارادی به وسیله سرمایه اجتماعی تسهیل می‌شود (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵). سرمایه اجتماعی ناظر بر ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، هنجارها، و اعتماد متقابل ناشی از آنهاست. به عبارت دیگر، پاتنام معتقد است که این مشخصه‌ها با تسهیل کنش‌های هماهنگ بر قابلیت جامعه برای ایجاد انواع انجمن‌های داوطلبانه افزوده و ارتقاء کارکرد جامعه، تشویق افراد را نسبت به همکاری با یکدیگر به دنبال دارد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳). افزون بر آن، پاتنام سرمایه اجتماعی را به عنوان مجموعه‌ای از ارتباط‌های افقی میان افراد می‌بیند که همکاری در جهت کسب منافع متقابل را در اجتماع تقویت می‌کند (پاتنام، ۱۹۹۳، ۲۰۰۰). بدین ترتیب، سرمایه اجتماعی به زعم پاتنام، کنش جمعی نیست، بلکه هنجارها و ضمانت‌های اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه‌های اجتماعی (گروه‌های مدنی و دینی، پیوندهای خانوادگی، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی، دوستان و خویشاوندان، و غیره) است. پاتنام این سه مؤلفه را تقویت‌کننده یکدیگر دانسته به طوری که تعادل اجتماعی به همراه سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی، و رفاه جمعی را به دنبال دارد.

در نهایت با جمع‌بندی نظریه‌های مورد بررسی، چارچوب نظری ترکیبی از نظریه‌ها و پیشینه نگاشته‌ها ارائه شده است. بدین ترتیب، با توجه به نظریه‌های پارسونز، فیشباین و آیزن، و پاتنام، مشارکت اجتماعی زنان روستایی تحت تأثیر سازه‌های اجتماعی (سن، بُعد خانوار، تأهل، سرمایه اجتماعی)، فرهنگی (نگرش به مشارکت، نگرش شوهر، نگرش گروه مرجع، سطح تحصیلات، تماس با منابع اطلاعاتی، سطح اطلاعات و آگاهی)، و اقتصادی و منابع (شغل، سطح درآمد خانواده)، قرار دارد که در این مطالعه به آنها توجه شده است. با توجه به مبحث ذکر شده و مرور ادبیات موضوع، تأثیر سازه‌های مؤثر بر مشارکت اجتماعی زنان روستایی را می‌توان در قالب نمودار ۱ بیان کرد:



نمودار ۱: الگوی نظری تعیین‌کننده‌های مشارکت اجتماعی زنان روستایی



روش پژوهش

نوع پژوهش در این مطالعه از نظر هدف کاربردی و به روش آسنادی و پیمایش^۱ انجام شده است. با استفاده از روش آسنادی، ابعاد مفهومی و نظری موضوع بررسی شد و از روش پیمایش نیز برای بررسی چگونگی توزیع و روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته استفاده شد (یزدان‌پناه و صمدیان، ۱۳۸۷).

جامعه آماری این پژوهش زنان روستایی بالای ۱۶ سال شهرستان بویراحمد در استان کهگیلویه و بویراحمد بود که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای^۲، افراد مورد نظر گزینش و مطالعه شدند. بدین جهت جامعه آماری در این پژوهش زنان ۱۶ سال و بالاتر بودند که مشارکت فعال در امور جامعه از جمله شرکت در انتخابات در این سن، قانونی می‌شود. بر مبنای سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵، کل جمعیت این شهرستان ۲۱۷۷۴۱ نفر بوده که ۵۲/۳۱ درصد (۱۱۳۸۹۳ نفر) آن را روستاییان تشکیل می‌دادند. از میان جمعیت روستایی نیز ۵۵۹۵۰ نفر زن روستایی بودند. شهرستان بویر احمد دارای ۴ دهستان و ۶۰۴ روستا است. به منظور برآورد حجم نمونه از جدول نمونه‌گیری پاتن^۳ (۲۰۰۲) استفاده شد. در این جدول حجم نمونه بر اساس جمعیت یا جامعه آمار تخمین زده شده است. پس از تعیین حجم نمونه، از میان ۴ دهستان واقع در این شهرستان، پنج دهستان به صورت تصادفی انتخاب شدند. آن‌گاه، در هر دهستان پنج روستا و در هر روستا ۱۰ خانوار و در هر خانوار یک زن روستایی بالای ۱۶ سال به صورت تصادفی انتخاب و از او مصاحبه‌ای ساختارمند به عمل آمد. در مجموع از ۲۵ زن روستایی مصاحبه اخذ شد که در نهایت، اطلاعات مورد نیاز از ۲۱۷ پرسش‌نامه کامل شده، استخراج شد.

ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه ساختارمند^۴ با استفاده از پرسش‌نامه منظم حاوی سؤال‌های بسته و تعدادی سؤال باز بود. مهمترین و بارزترین بخش پرسش‌نامه به سنجش متغیر وابسته پژوهش (مشارکت اجتماعی زنان روستایی) مرتبط است. مشارکت اجتماعی

1. Survey research
2. Multi-stage cluster sampling
3. Patten
4. Structured interview

عبارت است از هرگونه کنش متقابل داوطلبانه، آگاهانه، و جمعی افراد و گروه‌ها در فعالیت‌های خارج از خانواده و همه گروه‌های فعال نا وابسته به سازمان‌های سیاسی، گروه‌های فشار و اتحادیه‌های کارگری، که به صورت رسمی و غیررسمی در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین شده تعریف کرده‌اند (هلی، ۱۹۹۷). بنابراین، متغیر مشارکت اجتماعی زنان روستایی در دو بُعد رسمی و غیررسمی سنجیده شد. مشارکت رسمی به مشارکتی اطلاق می‌شود که هویت افراد از طریق ثبت نام در آن و در برخی موارد پرداخت حق عضویت و شرکت در جلسات دوره‌ای مشخص می‌شود (یزدان‌پناه و صمدیان، ۱۳۸۷). بدین ترتیب مشارکت رسمی شامل شرکت در فعالیت‌های روستا (شرکت در انتخابات، بسیج روستا، کلاس‌های آموزشی و ترویج سلامت و بهداشت خانواده، شورای اسلامی و تعاونی‌های فعال در روستا) است. مشارکت غیررسمی نیز موارد زیر را در برمی‌گیرد:

۱. شرکت در مراسم و جشن‌های ملی (عید نوروز، جشن پیروزی انقلاب و...)
 ۲. شرکت در مراسم‌های مذهبی و دینی (نماز جماعت، عاشورای حسینی، دعا‌های دسته‌جمعی، اعیاد مذهبی)؛
 ۳. شرکت در کارهای خیر و عام‌المنفعه (کمک به ساخت بناهای عمومی در روستا و تهیه تجهیزات و...)
 ۴. کمک به فقرا و آسیب دیدگان (سیل زدگان، معلولین، فقرا، مصدومین)؛
- اطلاعات بیش‌تر پیرامون متغیرهای پژوهش، تعاریف کارکردی و نحوه سنجش آن‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.



جدول ۱: تعاریف کارکردی و نحوه سنجش متغیرهای تحقیق

متغیر	تعریف عملیاتی/گویه‌ها
سن	منظور سن تقویمی (شناسنامه‌ای) پاسخگو است که با یک سؤال باز پرسیده می‌شود.
وضعیت تأهل	منظور وضعیت تأهل (مجرد یا متأهل) بودن پاسخگو است که با یک سؤال پرسیده می‌شود.
بُعد خانوار	تعداد افراد یک خانواده که با یک سؤال باز پرسیده می‌شود.
سرمایه‌ی اجتماعی	با ده گویه طیف لیکرتی سه بخشی پیرامون اعتماد، مشارکت، عضویت و... سنجیده می‌شود. دامنه طیف بین ۱= کم تا ۳= زیاد است.
نگرش به مشارکت	نگرش به مشارکت و فلسفه آن با چهار گویه طیف لیکرتی سه بخشی سنجیده می‌شود. دامنه طیف بین ۰= مخالفم، ۱= بی‌نظرم، ۲= موافقم است.
نگرش سرپرست خانواده	نگرش سرپرست خانواده به مشارکت زن در امور جامعه با پنج سؤال لیکرتی سه بخشی سنجیده می‌شود. دامنه طیف بین ۰= مخالفم، ۱= بی‌نظرم، ۲= موافقم است
نگرش گروه مرجع	این متغیر نگرش افراد صاحب نفوذ محلی را درباره مشارکت اجتماعی زنان مورد توجه قرار می‌دهد. این متغیر با دو سؤال لیکرتی سه بخشی سنجیده می‌شود. دامنه طیف بین ۰= مخالفم، ۱= بی‌نظرم، ۲= موافقم است
سطح تحصیلات	سال‌های تحصیل رسمی پاسخگو با یک سؤال باز مورد پرسش قرار می‌گیرد.
تماس با منابع اطلاعاتی	این متغیر با پنج سؤال بلی/خیر میزان استفاده پاسخگو از منابع اطلاعاتی (رادیو، تلویزیون، مجلات، اینترنت و...) را مورد سنجش قرار می‌دهد.
سطح اطلاعات و آگاهی	سطح اطلاعات و آگاهی زنان روستایی پیرامون مشارکت، نحوه و ابعاد آن با پنج سؤال بلی/خیر سنجیده می‌شود.
مسئولیت در خانه	مسئولیت در خانه با یک سؤال بلی/خیر پیرامون وظیفه اصلی اداره منزل بر عهده پاسخگو است، پرسیده می‌شود.
وضعیت اقتصادی خانواده	وضعیت اقتصادی خانوار با یک سؤال طیف لیکرتی با دامنه ۱=ضعیف تا ۳= خوب مورد پرسش قرار می‌گیرد.
اشتغال در خارج از خانه	اشتغال در خارج از خانه با یک سؤال بلی/خیر مورد سنجش قرار می‌گیرد.

پس از طراحی، روایی صوری^۱ پرسش‌نامه را متخصصان تأیید کردند. به منظور آزمون پایایی^۲ نیز یک مطالعه راهنما^۳ خارج از محدوده مطالعه اصلی ترتیب داده شد و بر اساس نتایج این مطالعه راهنما، پرسش‌نامه اصلاح شد (جدول ۲). پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، داده‌های موجود در آن‌ها کدگذاری شده و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شدند. از آزمون‌های فراوانی، میانگین، تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی، همبستگی، و دیگر آماره‌ها برای تحلیل و تفسیر داده‌ها استفاده شد.

جدول ۲: نتایج آزمون پایایی گویه‌های پرسشنامه

متغیر	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفا
سرمایه اجتماعی	۱۰	۰/۵۳
نگرش به مشارکت	۴	۰/۶۲
نگرش سرپرست خانواده به مشارکت	۵	۰/۷۴
نگرش گروه مرجع	۲	۰/۵۴

یافته‌های پژوهش

در این بخش از نوشتار، به ویژگی‌های جامعه آماری پژوهش حاضر و وضعیت زنان روستایی محدوده مورد مطالعه اشاره می‌شود. یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد، زنان روستایی مورد مطالعه از سن متوسط ($\bar{x}=29/45$) و $(SD=12/5)$ و سطح تحصیلات پایین ($\bar{x}=3/52$)، همچنین $(SD=6/50)$ برخوردار هستند، که از این تعداد ۵۸/۰۶ درصد آن‌ها متأهل بودند. همچنین متوسط بُعد خانوار آن‌ها ۶/۵ نفر بود به عبارت دیگر در هر خانوار به طور متوسط ۶/۵ نفر زندگی می‌کنند.

سرمایه اجتماعی عاملی مؤثر در مشارکت اجتماعی محسوب می‌شود. به طوری که انتظار می‌رود افراد با سرمایه اجتماعی بالا مشارکت اجتماعی بالایی نیز داشته باشند. جدول ۳ نشان

1. Face validity
2. Reliability
3. Pilot study



می‌دهد زنان روستایی مورد مطالعه از سرمایه اجتماعی بالایی ($\bar{x}=22/45$, $SD=12/5$) برخوردار بودند.

سطح اطلاعات و آگاهی روستاییان از مشارکت نقش بسیار مهم و حیاتی در افزایش مشارکت روستاییان در فعالیت‌های توسعه‌ای دارد. به هر میزان که کسب اطلاعات و تماس با منابع اطلاعاتی در میان زنان روستایی بیش‌تر باشد، توان تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی راجع به مشارکت در فعالیت‌هایی اجتماعی بیش‌تر خواهد شد. در این مطالعه نیز اطلاعات و آگاهی زنان روستایی بررسی شد. همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، بسیاری از زنان روستایی مورد مطالعه در سطح کمی از اطلاعات و آگاهی پیرامون مشارکت و فلسفه آن بودند ($\bar{x}=2/13$). در مجموع یافته‌های جدول ۳ نشان دهنده آگاهی و اطلاعات کم روستاییان در خصوص مشارکت و نحوه آن بود ($\bar{x}=2/13$, $SD=1/01$).

تماس و استفاده از منابع اطلاع‌رسانی نیز در تبیین مشارکت افراد نقشی مهم دارد. در این پژوهش، زنان روستایی مورد مطالعه از نظر میزان دسترسی و تماس با منابع اطلاعاتی بررسی شدند. با توجه به میانگین استفاده زنان روستایی ($\bar{x}=2/45$)، چنین استنباط می‌شود که زنان روستایی مورد مطالعه دسترسی متوسطی به منابع اطلاعاتی و رسانه‌ها دارند ($\bar{x}=2/45$, $SD=1/15$).

رهبران محلی یا رهبران افکار معمولاً اعضای نظام اجتماعی در روستا هستند که در آن‌ها نفوذ دارند. به همین دلیل سنجش نگرش آن‌ها به مشارکت بسیار مفید و کارساز خواهد بود. بر اساس یافته‌ها، چنین استنباط می‌شود که اکثر رهبران افکار زنان روستایی در روستاهای مورد مطالعه شهرستان بویراحمد نگرش مثبت و مطلوبی درخصوص مشارکت در امور جامعه دارند. زنان روستایی بیان کرده‌اند که رهبران افکار آن‌ها، دیدگاه مثبت نسبت به مشارکت داشته و از آن حمایت می‌کنند. بر همین اساس آن‌ها (رهبران محلی) در حد مطلوبی ($\bar{x}=3/62$, $SD=1/43$) دیگران را به مشارکت در امور روستا تشویق کرده‌اند (جدول ۳). این در حالی است که نگرش سرپرست خانواده نسبت به مشارکت زنان در جامعه نیز از وضعیت مطلوبی برخوردار بوده و اغلب آن‌ها موافق مشارکت اجتماعی زنان در مسائل اجتماعی جامعه هستند ($\bar{x}=7/25$, $SD=1/65$). افزون بر آن، واکاوی نگرش زنان روستایی به مشارکت نیز نشان داد اکثر زنان روستایی مورد مطالعه از نگرش مثبتی نسبت به مشارکت در امور جامعه و اجتماع

برخورد دارند ($\bar{x}=7/28$ ، $SD=3/49$). بسیاری از آن‌ها ابراز داشتند شرکت در امور جامعه به نفع روستا بوده و موجب پیشرفت و ترقی افراد جامعه می‌شود.

بیش از ۶۹ درصد از زنان مورد مطالعه به عنوان مادر خانه بوده و مسئولیت اصلی اداره منزل را بر عهده دارند، این در حالی است که تنها ۲۱/۱۹ درصد آن‌ها در بیرون از منزل به کار و فعالیت اقتصادی اشتغال داشته‌اند. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که وضعیت اقتصادی خانواده زنان روستایی مورد مطالعه در حد متوسطی ($\bar{x}=1/47$ ، $SD=1/17$) بوده و تنها ۱۸/۴۳ درصد از آن‌ها اظهار داشته‌اند که از وضعیت اقتصادی مطلوبی برخوردارند.

جدول ۲: ویژگی‌های مورد بررسی در میان زنان روستایی مورد مطالعه

ویژگی‌ها	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
الف) تعیین‌کننده‌های اقتصادی				
وضعیت اقتصادی خانواده	۱/۴۷	۱/۱۷	۱	۳
اشتغال در خارج از خانه	-	-	۰	۱
ب) تعیین‌کننده‌های فرهنگی				
نگرش به مشارکت	۷/۲۸	۳/۴۹	۳/۳۷	۷/۹۳
نگرش سرپرست خانواده به مشارکت	۷/۲۵	۱/۶۵	۴/۳۵	۸/۵۵
نگرش گروه مرجع	۳/۶۲	۱/۴۳	۱	۴
سطح تحصیلات	۳/۵۲	۶/۵۰	۰	۱۷
تماس با منابع اطلاعاتی	۲/۴۵	۱/۱۵	۱/۷۵	۳/۲۵
سطح اطلاعات و آگاهی	۲/۱۳	۱/۰۱	۰	۲/۵۶
مسئولیت در خانه	-	-	۰	۱
ج) تعیین‌کننده‌های اجتماعی				
سن	۲۹/۴۵	۱۲/۵	۱۷	۵۶
وضعیت تأهل	-	-	۰	۱
بُعد خانوار	۶/۵	۳/۴۶	۱	۱۹
سرمایه اجتماعی	۲۲/۴۵	۱۲/۵۰	۱۳/۱۸	۲۶/۲۳



وضعیت مشارکت اجتماعی زنان روستایی

متغیر وابسته این پژوهش، مشارکت اجتماعی زنان روستایی است که در سه بُعد مشارکت اجتماعی کل، رسمی و غیر رسمی بررسی شد. همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، بررسی میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی نشان داد که مشارکت اجتماعی کل، که از جمع مشارکت رسمی و غیررسمی به دست می‌آید در حد متوسطی بوده است و تنها ۲۳/۱۲ درصد، مشارکت اجتماعی در سطح مطلوبی از خود نشان داده‌اند. میانگین مشارکت اجتماعی کل، ۸/۲۴ از ۱۵ است. با توجه به نتایج به دست آمده، در هر دو بُعد رسمی و غیررسمی، میانگین مشارکت رسمی ۲/۵۰ و مشارکت غیر رسمی، ۷/۶۴ به دست آمده است. از یافته‌های این بخش از پژوهش چنین استنباط می‌شود که مشارکت اجتماعی زنان روستایی در هر دو بُعد رسمی و غیررسمی در حد متوسطی است.

جدول ۴: وضعیت مشارکت اجتماعی و ابعاد آن در میان زنان روستایی مورد مطالعه

ابعاد مشارکت اجتماعی	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
مشارکت رسمی	۲/۵۰	۱/۱۰	۱/۲۴	۲/۸۳
مشارکت غیررسمی	۷/۶۴	۳/۴۶	۴/۷۲	۸/۴۵
مشارکت کل	۸/۲۴	۲/۲۰	۳/۵۴	۱۰/۷۶

سازه‌های مؤثر بر مشارکت اجتماعی زنان روستایی

جدول ۵ همبستگی بین متغیرهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را با مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد. از بین متغیرهای گوناگون، سطح تحصیلات دارای بیشترین همبستگی مثبت و معنادار با مشارکت اجتماعی بوده است ($r=0/53$). به عبارت دیگر افراد با تحصیلات بیش‌تر تمایل به مشارکت اجتماعی بالاتری از خود نشان می‌دهند. پس از آن، دومین متغیر سن پاسخگویان است. جدول ۵ نشان می‌دهد، سن دارای همبستگی منفی و معناداری با مشارکت اجتماعی است ($r=-0/40$). این یافته حاکی از آن است که با افزایش سن مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد.

سطح اطلاعات و آگاهی زنان از مشارکت تأثیر به‌سزایی بر مشارکت اجتماعی آن‌ها دارد.

یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد سطح اطلاعات و آگاهی زنان دارای رابطه مثبت و معناداری با مشارکت اجتماعی است ($F=0/25$). افزون بر آن سرمایه اجتماعی نیز همبستگی مثبت و معناداری با مشارکت اجتماعی دارد ($F=0/22$). این یافته نشان می‌دهد، یکپارچگی و انسجام اجتماعی که از مصادیق سرمایه اجتماعی هستند، می‌توانند مشوق مطلوبی در مشارکت اجتماعی زنان روستایی باشند.

متغیر اشتغال در بیرون از منزل نیز رابطه مثبت و معناداری با مشارکت اجتماعی دارد ($F=0/21$). این یافته نشان دهنده این نکته است که اشتغال در بیرون از خانه تأثیر به‌سزایی در میزان مشارکت اجتماعی فرد در جامعه دارد، یعنی هرچه افراد در امور جامعه فعالیت اقتصادی بیشتری داشته باشند، مشارکت اجتماعی آن‌ها در امور جامعه نیز افزون خواهد شد. متغیر تماس با منابع اطلاعاتی نظیر رادیو، تلویزیون، و دیگر رسانه‌ها نیز دارای همبستگی مثبت و معناداری با مشارکت اجتماعی زنان روستایی است ($F=0/17$). یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که با افزایش استفاده از رسانه‌های جمعی و انبوهی، مشارکت اجتماعی زنان روستایی افزایش می‌یابد.

نگرش به مشارکت و فلسفه آن نیز دارای رابطه مثبت و معناداری با میزان مشارکت اجتماعی بود ($F=0/12$). این یافته نشان می‌دهد به هر میزان که زن روستایی دارای نگرش مثبت و مفید از مشارکت خود در جامعه باشد، مشارکت اجتماعی او نیز بیش‌تر خواهد شد.



جدول ۵: نتایج حاصل از همبستگی گروهی از متغیرها با متغیر مشارکت اجتماعی

متغیر	R (مقدار ضریب همبستگی)
سن	۰/۴۰*
وضعیت تأهل	۰/۳۲
بُعد خانوار	-۰/۳۴
سرمایه اجتماعی	*۰/۲۲
نگرش به مشارکت	*۰/۱۲
نگرش سرپرست خانواده به مشارکت	۰/۱۵
نگرش گروه مرجع	۰/۲۱
سطح تحصیلات	*۰/۵۳
تماس با منابع اطلاعاتی	*۰/۱۷
سطح اطلاعات و آگاهی	*۰/۲۵
مسئولیت در خانه	۰/۱۳
سطح درآمد خانواده	-۰/۱۱
اشتغال در خارج از خانه	*۰/۲۱
** = معناداری در سطح ۵٪	
*** = معناداری در سطح ۱٪	

تعیین‌کننده‌های مشارکت اجتماعی زنان روستایی

به منظور شناسایی تعیین‌کننده‌های مشارکت اجتماعی زنان روستایی از تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد. بر اساس الگوی نظری پژوهش سه دسته متغیر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر مشارکت اجتماعی زنان روستایی مؤثر هستند. بر همین اساس در مرحله اول دسته متغیرهای اقتصادی وارد معادله شدند. این متغیرها عبارتند بودند از: وضعیت اقتصادی خانواده، و اشتغال در خارج از منزل (جدول ۶). ضریب تعیین کم (۰/۲۹) در این مرحله نشان می‌دهد که ورود این دسته از متغیرها به مدل قدرت پیش‌بینی‌کنندگی کمی دارد. به عبارت دیگر تنها ۴/۵ درصد از تغییرات در مشارکت اجتماعی توسط این دسته از متغیرها تبیین می‌شود. این یافته نشان می‌دهد متغیرهای اقتصادی نقش بسیار اندکی در تبیین و پیش‌بینی مشارکت اجتماعی زنان روستایی دارند، به عبارتی با یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیرها، ۰/۲۹ واحد تغییر

در انحراف معیار مشارکت اجتماعی پدیدار می شود. انتظار می رود متغیرهای فرهنگی نیز در مشارکت اجتماعی زنان روستایی تأثیر داشته باشند. بنابراین، در مرحله دوم، متغیرهای فرهنگی شامل نگرش به مشارکت، نگرش سرپرست خانواده به مشارکت، نگرش گروه مرجع، سطح تحصیلات، تماس با منابع اطلاعاتی، سطح اطلاعات و آگاهی، مسئولیت در خانه وارد معادله رگرسیونی شدند. اضافه شدن این دسته از متغیرها قدرت پیش بینی کننده مدل را $6/7$ درصد بهبود بخشید. بدین صورت که با وارد شدن این دسته از متغیرها به معادله، قدرت پیش بینی کنندگی آن قدری بهبود یافت. یافته ها حاکی از آن است که با ثابت بودن سایر متغیرها، یک واحد تغییر در انحراف معیار دسته متغیرهای فرهنگی، $0/121$ واحد تغییر در انحراف معیار مشارکت اجتماعی زنان روستایی پدیدار می شود.

در مرحله سوم دسته متغیرهای اجتماعی به معادله رگرسیونی وارد شدند. این متغیرها عبارت بودند از سن، وضعیت تأهل، بُعد خانوار، و سرمایه اجتماعی. همان گونه که در جدول ۶ مشاهده می شود، این دسته از متغیرها قدرت پیش بینی کنندگی مدل را به طور ملاحظه پذیری بهبود بخشیده اند. دسته متغیرهای اجتماعی، حدود ۲۲ درصد از تغییرات مدل را توضیح می دهند. ورود تمامی متغیرها در مدل به صورت مشروح در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶: نتایج حاصل از رگرسیون سلسله مراتبی بر مشارکت اجتماعی زنان روستایی

مدل	ضریب تعیین	ضریب تعیین سازگار	تغییرات	سطح معناداری
الف	۰/۰۲۹	۰/۰۲۱	۰/۰۴۴	۰/۰۱۰
ب	۰/۱۲۱	۰/۰۹۹	۰/۰۶۷	۰/۰۲۵
ج	۰/۳۷۰	۰/۳۲۰	۰/۲۲۰	۰/۰۰۱

* متغیر وابسته: مشارکت اجتماعی زنان روستایی

الف- پیش بینی کننده: (باقیمانده)، و دسته متغیرهای اقتصادی

ب- پیش بینی کننده: مدل ۱ و دسته متغیرهای فرهنگی

ج- پیش بینی کننده: مدل ۲ و دسته متغیرهای اجتماعی

با ورود دسته متغیرهای اجتماعی به تابع، مدل نهایی شکل گرفت. که جزئیات آن در جدول ۷ آمده است. همان گونه که در جدول ۷ مشاهده می شود، فرضیه صفر بودن ضرایب مدل رد می شود ($F=12/83$ و $p < 0/001$). افزون بر آن، ضرایب استاندارد شده (جدول ۸)



نشان می‌دهد یک انحراف معیار تغییر در مقدار سن، بُعد خانوار، سرمایه اجتماعی، نگرش به مشارکت، سطح تحصیلات، سطح اطلاعات و آگاهی و اشتغال در خارج از خانه به ترتیب موجب ۰/۲۳-، ۰/۰۹-، ۰/۱۸، ۰/۱۴، ۰/۲۱، ۰/۲۲، و ۰/۳۱ تغییر در انحراف معیار مشارکت اجتماعی زنان روستایی خواهد شد. به عبارتی دیگر، یک واحد انحراف معیار تغییر در سن، بُعد خانوار، سرمایه اجتماعی، نگرش به مشارکت، سطح تحصیلات، سطح اطلاعات و آگاهی و اشتغال در خارج از خانه به ترتیب ۰/۲۳ و ۰/۰۹ واحد تغییر کاهشی، و ۰/۱۸، ۰/۱۴، ۰/۲۱، ۰/۲۲ واحد تغییر افزایش در انحراف معیار مشارکت اجتماعی زنان روستایی را موجب می‌شوند. در نتیجه، افزایش سن و بُعد خانوار، باعث کاهش و بهبود سرمایه اجتماعی، نگرش به مشارکت، سطح تحصیلات، سطح اطلاعات و آگاهی و اشتغال در خارج از خانه، موجب افزایش مشارکت اجتماعی زنان روستایی خواهند شد.

جدول ۷: ضرایب رگرسیونی مدل نهایی تعیین‌کننده‌های مشارکت اجتماعی زنان روستایی

متغیر	ضریب غیراستاندارد	خطای استاندارد	ضریب استاندارد شده	ارزش t	سطح معناداری
(مقدار ثابت)	۳/۳۲۱	۰/۳۴۲	-	۳/۲۳۴	۰/۰۰۱
سن	-۰/۴۱۵	۰/۳۲۱	-۰/۲۳	-۰/۷۲۶	۰/۰۲۶
وضعیت تأهل	۰/۱۲۶	۰/۰۶۷	۰/۱۱۷	۱/۸۹۵	۰/۶۳۷
بُعد خانوار	-۰/۰۴۳	۰/۰۱۷	-۰/۰۹	-۲/۵۶۷	۰/۰۱۶
سرمایه اجتماعی	۰/۰۴۶	۰/۰۲۳	۰/۱۸	۲/۲۵۴	۰/۰۲۹
نگرش به مشارکت	۰/۰۷۶	۰/۰۴۴	۰/۱۴	۱/۲۶۴	۰/۰۱۰
نگرش سرپرست خانواده	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۷۵	۱/۲۱۷	۰/۲۴۵
نگرش گروه مرجع	۰/۰۶۵	۰/۰۳۹	۰/۲۱۷	۱/۳۲۱	۰/۱۷۰
سطح تحصیلات	۰/۰۱۹	۰/۰۱۲	۰/۲۱	۲/۰۱۲	۰/۰۰۱
تماس با منابع اطلاعاتی	۰/۰۰۲	۰/۰۱۵	۰/۰۱۳	۰/۴۲۳	۰/۷۲۶
سطح اطلاعات و آگاهی	۰/۰۱۶	۰/۰۰۶	۰/۲۲	۲/۰۳۴	۰/۰۳۵
مسئولیت در خانه	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۰	۰/۱۲۲	-۲/۳۲۹	۰/۲۴۴
سطح درآمد خانواده	-۰/۱۶۵	۰/۰۴۶	-۰/۲۵۲	-۲/۵۴۶	۰/۱۱۴
اشتغال در خارج از خانه	۰/۰۳۴	۰/۰۱۴	۰/۳۱	۱/۰۱۳	۰/۰۱۲

* ضریب تعیین = ۰/۳۷، $F=۱۲/۸۳$ ($p < ۰/۰۰۱$) متغیر وابسته: مشارکت اجتماعی زنان روستایی، مدل سوم

بحث و نتیجه گیری

چنان که در ادبیات و مبانی پژوهش آمد لازمه توسعه پایدار روستایی، مشارکت همه اقشار و گروه‌های جامعه (اعم از زنان و مردان) در فرآیند اجتماعی و اقتصادی روستا است (یزدان‌پناه و صمدیان، ۱۳۸۷). این در حالی است که شواهد و یافته‌ها حاکی از آن است که میزان مشارکت زنان روستایی در فرآیندهای مختلف اجتماع ناچیز بوده و کمتر از مردان گزارش شده است (رضادوست و همکاران، ۱۳۸۸؛ وینر و هانتینگتون، ۱۳۷۹؛ وثوقی و یوسفی آقابین، ۱۳۸۴). در این پژوهش نیز یافته‌های مطالعات پیشین تأیید و مشخص شد مشارکت اجتماعی زنان روستایی در حد متوسطی بوده و تنها ۲۳/۱۲ درصد، مشارکت اجتماعی در سطح مطلوبی از خود نشان داده‌اند. میانگین مشارکت اجتماعی آن‌ها، ۸/۲۴ از ۱۵ است. با توجه به نتایج به دست آمده، در هر دو بُعد رسمی و غیررسمی، میانگین مشارکت رسمی ۲/۵۰ و مشارکت غیر رسمی، ۷/۶۴ به دست آمده است.

افزون بر آن، در این پژوهش ارتباط ۱۳ متغیر با مشارکت اجتماعی زنان روستایی آزمون شد که در نهایت، همبستگی منفی با سن و مثبت با سرمایه اجتماعی، نگرش به مشارکت، سطح تحصیلات، تماس با منابع اطلاعاتی، سطح اطلاعات و آگاهی، و اشتغال در خارج از خانه تأیید شد. این یافته‌ها با یافته سبکتکین‌ریزی (۱۳۷۳) برای رابطه سن و علوی‌تبار (۱۳۷۹) برای رابطه دسترسی به اطلاعات و آگاهی با مشارکت اجتماعی همسوست. همچنین این یافته با یافته‌های پیشین درباره رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی همخوانی دارد (مقدس جعفری و باقرزاده، ۱۳۸۱؛ غفاری، ۱۳۸۰؛ موحد و همکاران، ۱۳۸۷).

بر اساس تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی مشخص شد متغیرهای سن، بُعد خانوار، سرمایه اجتماعی، نگرش به مشارکت، سطح تحصیلات، سطح اطلاعات و آگاهی و اشتغال در خارج از خانه تأثیر معناداری بر تبیین مشارکت اجتماعی زنان روستایی داشته و یک انحراف معیار تغییر در آن‌ها به ترتیب ۰/۲۳، -۰/۰۹، ۰/۱۸، ۰/۱۴، ۰/۲۱، ۰/۲۲، و ۰/۳۱ تغییر در انحراف معیار مشارکت اجتماعی زنان را موجب شده است. در نهایت متغیرهای مستقل بالا ۳۷ درصد از واریانس متغیر وابسته مشارکت اجتماعی زنان روستایی را تبیین کرده‌اند. این یافته با یافته‌های رضادوست و همکاران (۱۳۸۸) همخوانی دارد آن‌ها در مطالعه خود نشان دادند وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل و عضویت در تشکلهای اجتماعی تأثیر معناداری بر مشارکت



اجتماعی دارند و قادر هستند ۵۲ درصد از واریانس مشارکت اجتماعی را تبیین کنند. بنابراین، می‌توان با افزایش سرمایه اجتماعی، ترویج مشارکت و آموزش مبانی، اصول و راهبردهای مشارکتی در بهبود مشارکت اجتماعی زنان روستایی کوشید.

Archive of SID

منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری غلامرضا، (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نی.
- براتعلی پور، مهدی، (۱۳۸۱). «فرآیند شکل‌گیری و فروپاشی وفاق و همبستگی اجتماعی». فصلنامه علوم سیاسی، ۲۰ (۵): ۲۴۵-۲۶۵.
- پاتنام، رابرت، (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: روزنامه سلام.
- خانی، فضیله، و احمدی منیژه، (۱۳۸۸). «تیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی-اجتماعی در مناطق روستایی (مطالعه‌ی موردی: محدوده‌ی روستای چیر-یامچی شهرستان زنجان)». پژوهش زنان، ۷ (۴): ۹۵-۱۱۳.
- رضادوست، کریم، علی حسین حسین‌زاده، و حمید عابدزاده، (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی شهروندان، جامعه‌ی شهری شهر ایلام». جامعه‌شناسی کاربردی، ۳(۲۰): ۹۷-۱۱۰.
- روشه، گی، (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: تیبان.
- ریتزر، جورج، (۱۳۷۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- ساروخانی، باقر و امیرپناهی محمد، (۱۳۸۵). «ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی». پژوهش زنان، ۴ (۳): ۳۱-۶۰.
- سبکتکین‌ریزی، قربان‌علی، (۱۳۷۳). تبیین رابطه‌ی بین میزان تحصیلات زنان روستایی با میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.



سفیری، خدیجه و صادقی مریم، (۱۳۸۸). «مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن». *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۰ (۲): ۱-۳۴.

شادی‌طلب، ژاله، (۱۳۸۲). «مشارکت اجتماعی زنان». *پژوهش زنان*، ۱ (۳): ۱۴۱-۱۷۶.

عفتی، محمد و کپوریان مجید، (۱۳۷۶). *مشارکت اجتماعی زنان در روستاهای مازندران*، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی.

علوی‌تبار، علیرضا، (۱۳۷۹). *بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها*، تهران: شهرداری‌های کشور.

غفاری، غلامرضا، (۱۳۸۰). *تعیین عوامل اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی کاشان*، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران.

فخرایی، سیروس، (۱۳۷۶). «جامعه‌شناسی موانع فرهنگی مشارکت اجتماعی زنان در ایران»، *مجموعه مقالات چهارمین گردهم‌آیی سیمای زن در جامعه: زن و توسعه فرهنگی*. تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی دانشگاه الزهراء (س)، صص ۸۱-۹۲.

کرایب، یان، (۱۳۸۰). *نظریه‌های اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه عباس مخبر، تهران: آگه.

لهستانی‌زاده، عبدالعلی، جهانگیری جهانگیر و خواجه‌نوری بیژن، (۱۳۸۴). «بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی استان فارس)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۶ (۳): ۱۲۴-۱۴۵.

مقدس‌جعفری، محمدحسن و باقرزاده فیروز، (۱۳۸۱). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های کرمان»، *پژوهشگران فرهنگ*، ۲ (۲۳): ۱۱۳-۱۲۰.

موحد، مجید، عنایت‌حلیمه و پورنعمت‌آرش، (۱۳۸۷). «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان». *علوم انسانی و اجتماعی*، ۸ (۱): ۱۶۱-۱۹۰.

- نوروزی، فیض‌اله و بختیاری مهناز، (۱۳۸۸). «مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، فصلنامه راهبرد، ۱۸ (۵۳): ۲۴۹-۲۶۹.
- وثوقی، منصور و یوسفی‌آقابین افسانه، (۱۳۸۴). «پژوهش جامعه‌شناختی در زمینه مشارکت اجتماعی زنان روستایی آغکند شهرستان میانه»، نامه علوم اجتماعی، ۱۱ (۳ پیاپی ۲۵): ۲۲۴-۱۹۵.
- وینر، مایرون، و ساموئل پیور هانتینگتون، (۱۳۷۹). درک توسعه سیاسی. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- یزدان‌پناه، لیلا و صمدیان فاطمه، (۱۳۸۷). «تأثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر مشارکت اجتماعی زنان کرمانی»، مطالعات زنان، ۶ (۲): ۱۲۷-۱۴۹.
- Ajzen, I, (2005). *Attitudes, personality, and behaviour*. Open University, Milton Keynes.
- Breton, R, (1997). "Social Participation and Social Capital". *Introductory Lecture at the Second National Metropolis Conference, 23-25 November, Montréal, Quebec, Canada*.
- Fishbein, M, & Ajzen, I, (1975). *Belief, attitude, intention, and behavior: An introduction to theory and research*. Reading, MA: Addison-Wesley.
- Hamilton, K, & White, K. M, (2008). Extending the theory of planned behavior: The role of self and social influences in predicting adolescent regular moderate-to-vigorous physical activity. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 30: 56-74.
- Helly, D, (1997). "Voluntary and Social Participation by People of Immigrant". *Paper presented at the Second National Metropolis Conference, 23-25 November, Montréal, Quebec, Canada*.
- Parsons, T, (1966). *Societies, evolutionary and comparative perspective*. NJ: Prentice Hall.
- Patten, M. L, (2002). *Proposing Empirical Research*. Los Angeles: Pyrczak Publishing.
- Putnam, R, (1993). *Making democracy work: Civic traditions in modern Italy*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Putnam, R, (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon Schuster.
- Vicheka, L, (2005). "Cambodian Women and Barriers to Social Participation". Available at: (www.mekong.net/cambodia/barriers.htm) (Jun 2010).



نویسندگان

ahmadvand_2000@yahoo.com

مصطفی احمدوند

استادیار ترویج و توسعه کشاورزی، گروه مدیریت توسعه روستایی، دانشگاه یاسوج
 دانش‌آموخته دکتری ترویج و توسعه کشاورزی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۷
 پژوهش‌های او در زمینه توسعه پایدار، ترویج و ارزیابی اثرات اجتماعی است. از او بیش
 از ۱۵ مقاله علمی-پژوهشی در مجلات معتبر فارسی (ISC) و انگلیسی (ISI) در زمینه
 ترویج و ارزیابی اثرات اجتماعی پروژه‌های توسعه روستایی به چاپ رسیده است.

m.sharifzadeh@yahoo.com

مریم شریفزاده

استادیار ترویج و آموزش کشاورزی، گروه مدیریت توسعه روستایی، دانشگاه یاسوج
 دانش‌آموخته دکتری ترویج و سامانه‌های اطلاعات کشاورزی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۹
 پژوهش‌های او در زمینه سامانه‌های اطلاعاتی اقلیمی در کشاورزی است. از او بیش از ۱۳
 مقاله علمی-پژوهشی در مجلات معتبر فارسی (ISC) و انگلیسی (ISI) در زمینه ترویج،
 سامانه‌های اطلاعات اقلیمی و نگرش سیستمی در کشاورزی به چاپ رسیده است.

Archive of SID